

# نامهٔ پولس رسول به اوّل قرنتیان

## نکاتی چند درباره نامه اوّل به قرنتیان

شهر قُرِنْتُس (قُرینت فعلی) شهری بسیار مهم در امپراطوری روم و مرکز استان اخائیه (یونان) این امپراطوری به شمار می‌رفت. در این شهر افراد مختلفی از نژادهای مختلف زندگی می‌کردند و آن هم به علت اقتصاد بالایی بود که این شهر داشت. هر کس که به دنبال پول و رفاه بود، به این شهر سرازیر می‌شد و همین امر باعث گسترش بیش از حد فساد اخلاقی بود که در دنیای آن روز قُرِنْتُس را زبانزد همه کرده بود. وجود گروههای مختلف مردمی در این شهر باعث بنیه گرفتن مذاهب، مکاتب و عقاید گوناگون می‌گشت.

این کلیسا توسط پولس در سفر بشارتی دوّم او به وجود آمد. لیکن بعد از عزیمتش از این شهر، نامه‌ای از یکی از اعضای آن کلیسا دریافت نمود که خبر از بروز مشکلات عدیده جدی می‌داد؛ مشکلاتی که کلیساهای امروز هم به نوعی با آنها دست به گریبانند. قصد پولس از نگارش این نامه، مقدمات رسیدگی به مسائلی است که در آن نامه مطرح شده بود و ما آن را در قسمت اوّل نامه او (فصل‌های ۱-۶) می‌بینیم. لیکن در قسمت دوّم پولس بیشتر به سؤالاتی جواب می‌دهد که از جانب این کلیسا مطرح شده است (فصل‌های ۷-۱۵).

از جمله مشکلات اصلی مطرح شده در این نامه، می‌توان به تفرقه، فساد اخلاقی در کلیسا، سؤالاتی پیرامون مسائل جنسی و ازدواج، موضوعات مربوط به وجدان، نظم و ترتیب در کلیسا، عطایای روح‌القدس و موضوع قیامت مردگان اشاره کرد. پولس با بصیرتی عمیق نشان می‌دهد که چگونه انجیل به این سؤالات پاسخ می‌گوید.

باب سیزدهم این رساله معروفترین متن این نامه است که در آن پولس به محبت و خصوصیت آن می‌پردازد.

### تقسیم‌بندی کلی

- مقدمه (۱:۱-۹)
- تفرقه در کلیسا (۱:۱ تا ۴:۲۱)
- گناهان جنسی و اختلافات اعضا (فصل‌های ۵ و ۶)
- مسئله تجرّد و ازدواج (فصل ۷)
- مسئله خوراک تقدیمی به بتها و اختیارات پولس در مقام رسول (۸:۱ تا ۱۱:۱)
- عبادات کلیسایی (۱۱:۲ تا ۱۴:۴)
- رستاخیز مسیح و ایمانداران (فصل ۱۵)
- هدیه برای مسیحیان ساکن یهودیه (۱۶:۱-۴)
- موضوعات شخصی و بخش پایانی (۱۶:۵-۲۴)

۱۳ آیا مسیح تقسیم شده است؟ آیا پولس برای شما مصلوب شد؟ و آیا به نام پولس تعمید یافتید؟<sup>۱۴</sup> خدا را شکر می‌کنم که به‌جز کریسپوس و گایوس، هیچ‌یک از شما را تعمید ندادم،<sup>۱۵</sup> تا کسی نگوید در نام من تعمید یافته‌اید.<sup>۱۶</sup> و خانواده استفاناس را نیز تعمید دادم؛ ولی به یاد ندارم کسی دیگر را تعمید داده باشم.<sup>۱۷</sup> زیرا مسیح مرا نفرستاد تا تعمید دهم بلکه تا بشارت رسانم، ولی نه با حکمت کلام، مبادا صلیب مسیح از قدرت خود تهی گردد.

### مسیح حکمت و قدرت خدا

۱۸ زیرا پیام صلیب برای آنان که هلاک می‌شوند، جهالت است، لیکن برای ما که نجات می‌یابیم، قدرت خداست.<sup>۱۹</sup> زیرا نوشته شده است:

«حکمت حکیمان را نابود خواهیم ساخت

و فهم فهیمان را

باطل خواهیم نمود.»

۲۰ کجاست حکیم؟ کجاست کاتب؟ کجاست مباحثه‌گر این دنیا؟ مگر خدا حکمت دنیا را جهالت نگردانیده است؟<sup>۲۱</sup> زیرا که چون در حکمت خدا، دنیا نتوانست از طریق حکمت، خدا را بشناسد، خدا مصلحت دید که از جهالت موعظه، آنانی را که ایمان می‌آورند، نجات بخشد.<sup>۲۲</sup> زیرا یهودیان خواستار نشانه‌اند و یونانیان در پی حکمت،<sup>۲۳</sup> ولی ما مسیح مصلوب را وعظ می‌کنیم که یهودیان را سنگ لغزش است و غیریهودیان را جهالت،<sup>۲۴</sup> اما دعوت شدگان را - چه یهودی و چه یونانی - مسیح، قدرت خدا و حکمت خداست.<sup>۲۵</sup> زیرا جهالت خدا از انسان حکیمتر و ناتوانی خدا از انسان تواناتر است.

از پولس، خوانده شده به اراده خدا تا رسول عیسی مسیح باشد، و از برادرمان سوستینس،<sup>۲</sup> به کلیسای خدا در قُرْنُتُس، به آنانی که در مسیح عیسی تقدیس شده و خوانده شده‌اند با همه کسانی که در هر جا نام خداوندان عیسی مسیح را می‌خوانند، که خداوند ایشان و خداوند ما است:

۳ فیض و سلامتی از جانب خدا، پدر ما، و خداوند عیسی مسیح بر شما باد.

### شکرگزاری

۴ همواره خدای خود را به‌سبب شما شکر می‌کنم به جهت فیض خدا که در مسیح عیسی به شما عطا شده است.<sup>۵</sup> زیرا شما در او از هر جهت غنی شده‌اید، در هر سخن و در هر معرفت،<sup>۶</sup> چنانکه شهادت مسیح در میان شما استوار گردید،<sup>۷</sup> به حدی که شما در هیچ عطایی بی‌نصیب نیستید، و مکاشفه خداوند ما عیسی مسیح را انتظار می‌کشید.<sup>۸</sup> که او شما را تا به آخر استوار نگاه خواهد داشت، تا در روز خداوندان عیسی مسیح بی‌ملامت باشید.<sup>۹</sup> وفادار است خدایی که شما را به شراکت پسرش، خداوند ما عیسی مسیح، خوانده است.

### تفرقه‌ها در کلیسا

۱۰ ای برادران، به نام خداوند ما عیسی مسیح از شما استدعا دارم که با هم توافق داشته باشید و در میان شما تفرقه‌ها نباشد، بلکه در فکر و رأی با هم متحد باشید.<sup>۱۱</sup> زیرا ای برادران من، اهل خانه خُلُوئه به من خبر داده‌اند که در میان شما جدال‌هاست.<sup>۱۲</sup> مقصود اینکه یکی از شما می‌گوید، «من پیرو پولس هستم»؛ دیگری می‌گوید، «من پیرو آپولوس»؛ یکی می‌گوید، «پیرو کیفا»؛ و دیگری، که «پیرو مسیح هستم.»

۷:۱ واژه «مکاشفه» در اینجا به بازگشت خداوند اشاره دارد.

۱۲:۱ منظور پطرس است؛ همچنین در بقیه کتاب.

۱۹:۱۹ إشعیا ۲۹:۱۴

از یک حکمت مخفی و پوشیده خدا صحبت می‌کنیم که خدا آن را پیش از شروع اعصار برای جلال ما مقرر فرمود.<sup>۸</sup> که هیچ‌یک از حکمرانان عصر حاضر آن را درک نکردند، زیرا اگر درک کرده بودند، خداوند جلال را مصلوب نمی‌کردند.<sup>۹</sup> لیکن چنانکه نوشته شده است:

«آنچه را که چشمی ندیده،  
و گوشی نشنیده،  
و به فکر انسانی نرسیده،  
خدا برای دوستداران خود  
مهیا کرده است.»

۱۰. زیرا خدا آنها را توسط روح خود بر ما آشکار نموده است، زیرا که روح، همه چیز حتی اعماق خدا را جستجو می‌کند.<sup>۱۱</sup> زیرا کیست که افکار آدمی را بداند، جز روح آن آدمی که در وی است؟ پس همچنین، هیچکس افکار خدا را نمی‌داند، جز روح خدا.<sup>۱۲</sup> لیکن ما روح این دنیا را نیافته‌ایم، بلکه روحی را که از خداست، تا آنچه را که خدا به رایگان به ما عطا کرده است، بدانیم.<sup>۱۳</sup> و از همین سخن می‌گوییم نه به کلمات آموخته شده از حکمت انسانی، بلکه به کلمات آموخته شده از روح، و حقایق روحانی را به اشخاص روحانی بیان می‌کنیم.<sup>۱۴</sup> اما انسان نفسانی امور روح خدا را نمی‌پذیرد، زیرا نزد او جهالت است و قادر به درکشان نیست، زیرا که قضاوت در مورد آنها از طریق روحانی ممکن است.<sup>۱۵</sup> اما شخص روحانی همه چیز را قضاوت می‌کند، ولی او خود توسط هیچ کس قضاوت نمی‌شود.

۱۶ «زیرا کیست که فکر خداوند را دانسته باشد تا او را تعلیم دهد؟»

۲۶ زیرا ای برادران، دعوت خود را ملاحظه کنید، که بسیاری از شما برحسب معیارهای دنیا حکیم نبودید؛ و نه بسیاری از شما قدرتمند، و نه بسیاری شریف.<sup>۲۷</sup> اما خدا آنچه را که در دنیا جهالت است، برگزید تا حکیمان را خجل سازد؛ و آنچه را که در دنیا ضعیف است، برگزید تا قدرتمندان را خجل سازد؛<sup>۲۸</sup> خدا آنچه را که در دنیا پست و حقیر است، حتی نیستی‌ها را، برگزید تا هستی‌ها را باطل سازد،<sup>۲۹</sup> تا هیچ بشری در حضور خدا فخر نکند.<sup>۳۰</sup> و به سبب اوست که شما در مسیح عیسی هستید، که از جانب خدا برای ما حکمت شده است، یعنی عدالت، قدوسیت و رهایی.<sup>۳۱</sup> تا چنانکه نوشته شده است: «هر که فخر می‌کند، به خداوند فخر کند.»

### اعلان مسیح مصلوب

۲ و من ای برادران، هنگامی که برای اعلان اسرار الهی نزد شما آمدم، به فصاحت کلام و حکمت نیامدم.<sup>۲</sup> زیرا قصد کردم در میان شما چیزی ندانم جز عیسی مسیح، آن هم او را مصلوب.<sup>۳</sup> و من در ضعف و ترس و لرز بسیار نزد شما بودم،<sup>۴</sup> و پیام و وعظ من به سخنان مجاب‌کننده حکمت نبود، بلکه به تجلی روح و قدرت،<sup>۵</sup> تا ایمان شما نه بر حکمت انسان، بلکه بر قدرت خدا متکی باشد.

### حکمت از روح خدا

۶ لیکن در بین بالغان حکمت را بیان می‌کنیم، اما حکمتی که نه از این عصر و نه از حکمرانان این عصر می‌باشد که محکوم به زوالند.<sup>۷</sup> بلکه

۲۶:۱ در متن یونانی، برحسب جسم

۳۰:۱ «فدیه». اصل یونانی این واژه در بسیاری مواقع حاوی مفهوم رهانیدن بردگان اسیر با پرداخت بها است.

۳۱:۱ یرمیا ۲۴:۹

۱:۲ در برخی از ترجمه‌ها، از «شهادت درباره خدا» استفاده شده

۹:۲ ایشعیا ۴:۶۴

۱۰:۲ منظور «روح خدا»

۱۶:۲ ایشعیا ۱۳:۴۰

ولی ما فکر مسیح را داریم.

### نفاق‌ها در کلیسا

۳ اما من، ای برادران، نتوانستم با شما چون اشخاص روحانی سخن گویم، بلکه همچون اشخاص نفسانی، و همچون شیرخوارگان در مسیح. ۲ من شما را به شیر خوراندیم نه به گوشت، زیرا آمادگی آن را نداشتید و هنوز هم ندارید، ۳ زیرا که هنوز جسمانی هستید. چونکه در میانتان حسد و نزاع هست. آیا جسمانی نیستید و به طریق انسان رفتار نمی‌کنید؟ ۴ زیرا وقتی یکی می‌گوید: «من پولس را پیروی می‌کنم»، و دیگری می‌گوید: «من آپولس را»، آیا مثل دیگر انسانها نیستید؟ ۵ پس آپولس کیست؟ پولس کیست؟ جز خادمی که به واسطه ایشان ایمان آوردید، به همان اندازه که خدا به هر کدام معین کرده. ۶ من کاشتم و آپولس آبیاری کرد، اما خداست که نمو بخشید. ۷ پس نه کارنده چیزی است و نه آبیاری‌کننده، بلکه فقط خدا که رویاننده است. ۸ آن که می‌کارد و آن که آبیاری می‌کند، هر دو یک هستند و هر یک مطابق زحمتی که می‌کشند، اجرت خود را خواهند یافت. ۹ زیرا ما همکاران خدا هستیم. شما مزرعه خدا و عمارت خدا هستید.

۱۰ من بر حسب فیضی که خدا به من بخشیده، همچون معماری ماهر بنیاد نهادم و دیگری بر آن عمارت می‌سازد. اما هر کس باید آگاه باشد که چگونه می‌سازد. ۱۱ زیرا هیچ کس نمی‌تواند بنیادی دیگر بگذارد جز آن بنیادی که نهاده شده است، که عیسی مسیح باشد. ۱۲ لیکن اگر کسی بر این بنیاد عمارتی از طلا یا نقره یا سنگهای گرانبها یا چوب یا علف یا کاه بسازد، ۱۳ کار هر کس آشکار خواهد شد، زیرا که آن 'روز' آن را ظاهر خواهد ساخت. زیرا به آتش آشکار خواهد شد، و

آتش چگونگی عمل هر کس را به امتحان خواهد کشید. ۱۴ اگر کار هر کس که بر آن بنیاد بنا کرده است باقی بماند، پاداش خواهد یافت. ۱۵ اما اگر کار کسی بسوزد، زیان خواهد دید، هرچند خود، نجات خواهد یافت، لیکن فقط چنانکه از میان آتش.

۱۶ آیا نمی‌دانید که شما معبد خدا هستید و روح خدا در شما ساکن است؟ ۱۷ اگر کسی معبد خدا را خراب کند، خدا او را هلاک خواهد کرد، زیرا معبد خدا مقدّس است و شما آن معبد هستید. ۱۸ کسی خود را فریب ندهد. اگر کسی از شما خود را در این دنیا حکیم می‌پندارد، باید جاهل گردد تا حکیم شود. ۱۹ زیرا حکمت این دنیا در نظر خدا جهالت است. چنانکه نوشته شده: «حکیمان را در مکر خودشان گرفتار می‌سازد.» ۲۰ و باز نوشته شده است: «خداوند افکار حکیمان را می‌داند که عبث است.» ۲۱ پس فخر هیچ کس به انسانها نباشد. زیرا همه چیز از آن شماس است، ۲۲ خواه پولس، خواه آپولس، خواه کیفا، خواه دنیا، خواه زندگی، خواه مرگ، خواه زمان حال و خواه زمان آینده - همه از آن شماس است ۲۳ و شما از آن مسیح هستید و مسیح از آن خداست.

### خدمت رسولان

۴ پس هر کس ما را همچون خادمان مسیح و مباشران اسرار خدا بنگرد. ۲ و البته که از مباشر انتظار می‌رود که امین باشد. ۳ اما برای من چیز کم اهمیتی است که از جانب شما و یا از جانب هر محکمه انسانی قضاوت شوم. در واقع، من حتی درباره خود نیز قضاوت نمی‌کنم. ۴ زیرا در خود عیبی نمی‌بینم. لیکن این مرا تبرئه نمی‌سازد. خداوند است که مرا قضاوت می‌کند. ۵ پس پیش از وقت قضاوت نکنید تا اینکه خداوند بیاید که آنچه را که اکنون در تاریکی نهان است، در

۱۸ بعضی به این گمان که نزدتان نخواهم آمد، متکبر شده‌اند. ۱۹ اما اگر خدا بخواهد، به زودی نزدتان خواهم آمد و نه فقط از حرفهای این متکبران، بلکه از قدرتشان نیز آگاه خواهم شد. ۲۰ زیرا پادشاهی خدا به حرف نیست، بلکه به قدرت است. ۲۱ چه می‌خواهید؟ آیا با چوب نزدتان بیایم، یا با محبتی که در روحی ملایم است؟

### بی‌عفتی جنسی کلیسا را آلوده می‌سازد

۵ واقع خبر رسیده که در میان شما بی‌عفتی جنسی وجود دارد، چنان بی‌عفتی‌ای که حتی در میان بت‌پرستان هم نیست، زیرا که مردی زن پدر خود را دارد. ۲ و شما افتخار می‌کنید! آیا نمی‌بایست ماتم گیرید؟ کسی که چنین کرده، می‌بایست از میان شما رانده شود. ۳ زیرا که من هرچند در جسم غایبم، اما در روح حاضر، و اکنون، گویی حاضر، حکم خود را در خصوص کسی که به چنین کاری مبادرت ورزیده، اعلان کرده‌ام. ۴ وقتی شما در نام خداوند عیسی جمع می‌شوید و روح من با شما حاضر است، به قدرت خداوند ما عیسی، ۵ این مرد را به شیطان بسپارید برای نابودی جسم، تا روح او در روز خداوند عیسی نجات یابد.

۶ فخر شما نیکو نیست. آیا نمی‌دانید که اندکی خمیرمایه، تمامی خمیر را ور می‌آورد؟ ۷ پس خود را از خمیرمایه کهنه پاک سازید تا فطیر تازه باشید، چنانکه در واقع بی‌خمیرمایه هستید. زیرا مسیح، بره پسخ ما، قربانی شده است. ۸ پس بیایید عید را نه با خمیرمایه کهنه، و نه با خمیرمایه بدخواهی و شرارت، بلکه با نان فطیر صداقت و راستی برگزار کنیم.

۹ در نامه خود، به شما نوشتم که با بی‌عفتان جنسی معاشرت نکنید. ۱۰ اما مقصودم این نبود که با بی‌عفتان این دنیا یا با طمع‌کاران یا شیادان یا بت‌پرستان معاشرت نکنید، که در آن صورت می‌بایست این دنیا را ترک کنید. ۱۱ اما اکنون به

روشنایی عیان خواهد کرد و نیت‌های دل را آشکار خواهد ساخت. آنگاه هر کس تحسین خود را از خدا خواهد یافت.

۱۶ ای برادران، من این چیزها را به خاطر شما درباره خود و آپولس به کار بردم تا از ما یاد بگیرید که از آنچه نوشته شده است، فراتر نروید تا هیچ یک از شما بر دیگری تکبر ننمایید. ۱۷ زیرا چه کسی در تو چیزی متفاوت می‌بیند؟ چه چیزی داری که دریافت نکرده باشی؟ پس اگر دریافت کردی، چرا چنان فخر می‌کنی که گویا دریافت نکردی؟

۱۸ شما هر چه را که می‌خواهید، همین الان هم دارید! حال دولتمند شده‌اید! بدون ما به سلطنت نشسته‌اید! و ایکاش که سلطنت می‌کردید تا ما هم با شما حکم می‌راندیم! ۱۹ زیرا گمان می‌برم که خدا ما رسولان را آخر از همه، چون محکومین به مرگ، به نمایش گذاشته است، زیرا که ما برای دنیا و فرشتگان و مردم تماشاگاه شده‌ایم. ۲۰ ما به خاطر مسیح ابله هستیم، اما شما در مسیح حکیم! ما ضعیف هستیم، اما شما قوی! شما در عزت، لیکن ما در ذلت. ۱۱ تا به این ساعت گرسنه و تشنه‌ایم، ژنده‌پوش و کتک خورده و بی‌خانمان. ۱۲ و به دست‌های خود کار کرده، زحمت می‌کشیم. چون دشنامان دهند، برکت می‌دهیم؛ چون آزارمان دهند، تحمّل می‌کنیم؛ ۱۳ چون افتزایمان زنند، به مهربانی رفتار می‌کنیم، همانند تفالیه دنیا و زباله همه چیز شده‌ایم، هنوز هم هستیم.

۱۴ این را نمی‌نویسم تا شما را شرم‌منده سازم، بلکه تا همانند فرزندان محبوبم، نصیحتتان کنم. ۱۵ زیرا هرچند در مسیح معلمین بی‌شمار دارید، اما پدران بسیار ندارید، زیرا که من به واسطه انجیل در مسیح عیسی پدر شما شدم. ۱۶ پس از شما می‌خواهم که از من نمونه بردارید. ۱۷ از این سبب تیموثائوس را نزد شما فرستادم، که فرزند محبوب من و وفادار در خداوند است، تا او راههای مرا در مسیح به شما یادآور شود، چنانکه آنها را در هر جا و در هر کلیسا تعلیم می‌دهم.

پادشاهی خدا نخواهند شد.<sup>۱۱</sup> و بعضی از شما چنین بودید، اما در نام عیسی مسیح خداوند و توسط روح خدای ما شسته شده، تقدیس گشته و صالح شمرده شده‌اید.

### از بی‌عفتی جنسی بگریزید

<sup>۱۲</sup> «همه چیز برای من جایز است»، اما همه چیز مفید نیست. «همه چیز بر من رواست»، اما نمی‌گذارم چیزی بر من تسلط یابد.<sup>۱۳</sup> «خوراک برای شکم است و شکم برای خوراک» - و خدا، هم این و هم آن را نابود خواهد ساخت. اما بدن برای بی‌عفتی جنسی نیست، بلکه برای خداوند است و خداوند برای بدن.<sup>۱۴</sup> و خدا، خداوند را برخیزانید و ما را نیز به قدرت خویش خواهد برخیزانید.<sup>۱۵</sup> آیا نمی‌دانید که بدنهای شما اعضای مسیح است؟ آیا اعضای مسیح را برداشته و آنها را اعضای یک فاحشه گردانم؟ هرگز! آیا نمی‌دانید کسی که با فاحشه‌ای بیبوند، با او یک تن می‌شود؟ زیرا نوشته شده است: «آن دو یک تن خواهند شد.»<sup>۱۷</sup> اما آن که با خداوند می‌ببوند، با او یک روح می‌گردد.

<sup>۱۸</sup> از بی‌عفتی جنسی بگریزید. هر گناه دیگر که انسان مرتکب شود، بیرون از بدن است. اما کسی که مرتکب بی‌عفتی می‌شود، نسبت به بدن خود گناه می‌کند.<sup>۱۹</sup> آیا نمی‌دانید که بدن شما معبد روح‌القدس است که در شماست و او را از خدا یافته‌اید؟ شما از آن خود نیستید،<sup>۲۰</sup> چرا که به بهایی خریده شده‌اید. پس خدا را در بدن خود جلال دهید.

### اصول به جهت ازدواج

**V** حال در خصوص مسائلی که نوشتید: «مرد را نیکوست که با زنی در روابط جنسی نباشد.»<sup>۲</sup> اما به سبب وسوسه‌های جنسی، هر

شما می‌نویسم، اگر کسی که برادر خوانده می‌شود، لیکن بی‌عفت، یا طمّاع یا بت‌پرست یا فحاش یا میگسار و یا شیاد است، با چنین کسی معاشرت نکنید و حتی همسفره مشوید.

<sup>۱۲</sup> زیرا مرا چه کار است که بر مردمان بیرون قضاوت کنم. آیا شما بر آنان که در کلیسا هستند، داوری نمی‌کنید؟<sup>۱۳</sup> خدا خود بر مردمان بیرون داوری خواهد کرد. پس «آن بدکار را از میان خود برانید.»

### شکایت برعلیه مؤمنین

**۶** وقتی کسی از شما شکایتی بر دیگری دارد، آیا اینقدر جرأت می‌کند که آن را نه به نزد مقدسین، بلکه به نزد ناصالحان ببرد؟<sup>۲</sup> مگر نمی‌دانید که مقدسین دنیا را داوری خواهند کرد؟ و اگر دنیا قرار است توسط شما داوری شود، آیا عرضه داوری در مسائل کوچکتر را ندارید؟<sup>۳</sup> آیا نمی‌دانید که ما فرشتگان را داوری خواهیم کرد؟ پس چقدر بیشتر در مسائل این زندگی.<sup>۴</sup> از این رو اگر چنین شکایاتی دارید، چرا آنها را به نزد کسانی می‌برید که در کلیسا اعتباری ندارند؟<sup>۵</sup> این را می‌گویم تا شرمنده شوید. آیا در میان شما کسی دانا نیست که بتواند به اختلافات برادران رسیدگی کند؟<sup>۶</sup> حال آنکه، برادر بر علیه برادر به محکمه می‌رود، آن هم نزد بی‌ایمانان!

<sup>۷</sup> وجود چنین اختلافاتی در میان شما، در حال حاضر هم برایتان شکستی است. به جای آن چرا مظلوم نمی‌شوید؟ چرا حاضر نیستید زیان ببینید؟<sup>۸</sup> لیکن شما خود ظلم می‌کنید و به دیگری زیان می‌رسانید، حتی به برادران خود!

<sup>۹</sup> آیا نمی‌دانید که ظالمان وارث پادشاهی خدا نخواهند شد؟ فریب نخورید: بی‌عفتان، بت‌پرستان، زناکاران، لواطان،<sup>۱۰</sup> دزدان، طمع‌کاران، میگساران، فحاشان، و شیادان وارث

۱۲:۵ در متن یونانی به جای "کلیسا" کلمه "درون" به کار رفته است.

۱۳:۵ تثنیه ۱۷:۱۹؛ ۱۹:۲۱؛ ۲۱:۲۲؛ ۲۱:۲۴ و ۲۴:۲۴

۱۶:۲ پیدایش ۲:۲۴

را نجات نخواهی داد؟ و ای مرد، از کجا می‌دانی که همسرت را نجات نخواهی داد؟

### مطابق خواندگی خود زندگی کنید

<sup>۱۷</sup> پس هر کس آن‌طور زندگی کند که خداوند برای او معین کرده و خدا او را به آن خوانده است. این امر من است در همه کلیساها. <sup>۱۸</sup> اگر کسی به هنگام خوانده شدن ختنه شده بوده، در همان حال باقی بماند؛ و اگر کسی به هنگام خوانده شدن ختنه شده نبوده، دنبال ختنه شدن نباشد. <sup>۱۹</sup> زیرا نه ختنه چیزی هست و نه ختنه ناشدگی، بلکه نگاه داشتن احکام خدا. <sup>۲۰</sup> هر کس در هر وضعی که در آن خوانده شده، باقی بماند. <sup>۲۱</sup> آیا زمانی که خوانده شدی، غلام بودی؟ تو را باقی نباشد. (اما اگر می‌توانی آزادی خود را به دست آوری، فرصت را از دست مده). <sup>۲۲</sup> زیرا آن غلامی که در خداوند خوانده شده است، مرد آزاد خداوند است، و نیز آن که در آزادی خوانده شده است، غلام مسیح می‌باشد. <sup>۲۳</sup> به بهایی خریده شده‌اید، غلام انسانها مشوید. <sup>۲۴</sup> پس، ای برادران، هر کس در هر وضعی که خوانده شده است، در آن نزد خدا باقی بماند.

### مجردین و بیوه‌ها

<sup>۲۵</sup> و اما در خصوص کسانی که نامزد کرده‌اند، حکمی از خداوند ندارم، ولی حکم خود را چون کسی که به واسطه رحمت خداوند قابل اعتماد است، ابراز می‌کنم. <sup>۲۶</sup> گمان می‌کنم که به سبب زحمات زمان حاضر، برای انسان نیکو باشد در همان وضعی که هست، باقی بماند. <sup>۲۷</sup> آیا به زنی بسته هستی؟ در پی جدایی نباش. آیا از زن آزادی؟ در پی زن گرفتن نباش. <sup>۲۸</sup> لیکن اگر ازدواج می‌کنی، گناه نکرده‌ای؛ و اگر باکره‌ای شوهر کند، گناه نکرده است. با این حال، آنان که ازدواج

مرد باید زن خود را داشته باشد، و هر زن شوهر خود را. <sup>۳</sup> شوهر باید حق زناشویی خود را نسبت به زنش ادا کند و زن نیز به شوهرش. <sup>۴</sup> زیرا زن بر بدن خود اختیار ندارد بلکه شوهرش، و مرد نیز بر بدن خود اختیار ندارد، بلکه زنش. <sup>۵</sup> یکدیگر را محروم نکنید، مگر با رضایت یکدیگر برای مدتی محدود، تا خود را به دعا وقف کنید. لیکن باز به یکدیگر ببیونید، تا شیطان شما را به سبب عدم خویشتنداری در وسوسه نیاندازد. <sup>۶</sup> لیکن این را همچون اجازه می‌گویم، نه چون حکم. <sup>۷</sup> ایکاش همه مثل من می‌بودند. ولی هر کس عطایی خاص خود از خدا دارد، یکی دارای یک عطاست و دیگری دارای عطایی دیگر.

<sup>۸</sup> به مجردین و بیوه‌ها می‌گویم که نیکوست چون من مجرد بمانند. <sup>۹</sup> اما اگر نمی‌توانند خویشتنداری کنند، باید ازدواج نمایند. زیرا ازدواج بهتر است از سوختن در آتش شهوت.

<sup>۱۰</sup> اما به متأهلان این حکم را می‌دهم (نه من، بلکه خداوند): که زن نباید از شوهر خود جدا شود. <sup>۱۱</sup> (اما اگر چنین کند، باید مجرد بماند و یا اینکه با شوهر خود آشتی نماید.) و مرد نباید زن خود را طلاق دهد.

<sup>۱۲</sup> به بقیه می‌گویم (من، نه خداوند) که اگر برادری همسری بی‌ایمان دارد و آن زن حاضر است با او زندگی کند، او نباید زن خود را طلاق دهد. <sup>۱۳</sup> و اگر زنی شوهری بی‌ایمان دارد و آن مرد حاضر است با او زندگی کند، او نباید شوهر خود را طلاق دهد. <sup>۱۴</sup> زیرا شوهر بی‌ایمان به سبب همسرش تقدیس می‌شود و زن بی‌ایمان به سبب شوهرش. در غیر این صورت، فرزندان شما ناپاک می‌بودند؛ اما همانطور که می‌بینید، مقدّسند. <sup>۱۵</sup> اما اگر همسر بی‌ایمان بخواهد جدا شود، بگذار چنین کند. در چنین وضعی برادر یا خواهر در بند نیست و خدا ما را به صلح خوانده است. <sup>۱۶</sup> زیرا ای زن، از کجا می‌دانی که شوهرت

ازدواج می‌کند، عملی نیکو انجام می‌دهد؛ اما آن که ازدواج نمی‌کند، عملی حتی بهتر انجام می‌دهد.<sup>۳۹</sup> زن تا زمانی که شوهرش زنده است، به او بسته است. اما اگر شوهرش بمیرد، آزاد است با هر که بخواهد ازدواج کند، البته فقط در خداوند.<sup>۴۰</sup> با این حال، به نظر من خوشحالت‌تر خواهد بود اگر همانطور که هست، بماند. و فکر می‌کنم که من نیز روح خدا را دارم.

### خوراک تقدیمی به بتها

و اما در خصوص خوراک تقدیمی به بتها: **Λ** می‌دانیم که «همه ما صاحبان معرفت هستیم.» و چنین معرفت موجب تکبر است، لیکن محبت، بنا می‌کند. <sup>۲</sup> اگر کسی گمان می‌کند که چیزی می‌داند، هنوز چنانکه باید، نمی‌داند. <sup>۳</sup> اما اگر کسی خدا را دوست می‌دارد، نزد او شناخته شده است.

<sup>۴</sup> پس در خصوص خوردن خوراک تقدیمی به بتها، می‌دانیم که «بت را موجودیتی واقعی نیست»، و خدایی نیست جز یک خدا. <sup>۵</sup> زیرا هرچند هستند که به خدایان خوانده می‌شوند، چه در زمین و چه در آسمان - چنانکه به واقع 'خدایان' بسیار و 'خدوندان' بسیار هست - <sup>۶</sup> اما ما را یک خداست، یعنی پدر، که همه چیز از اوست و ما برای او هستیم؛ و یک خداوند یعنی عیسی مسیح، که همه چیز از اوست و ما برای او هستیم.

<sup>۷</sup> اما همه این معرفت را ندارند. زیرا بعضی بنا به مشارکت گذشته با بتها، خوراک را که در واقع به بُتی تقدیم شده، می‌خورند و وجدانشان از آنجا که ضعیف است، نجس می‌گردد. <sup>۸</sup> خوراک، ما را به خدا نزدیکتر نمی‌کند؛ ما نه به خوردن بهتر

می‌کنند، در این زندگی سختی خواهند کشید و من می‌خواهم شما را از آن باز دارم.

<sup>۹</sup> ای برادران، مقصود من این است: زمان مقرر بسیار کوتاه شده است. از این پس، آنانی که زن دارند، چنان زندگی کنند که گویی ندارند، <sup>۱۰</sup> و آنان که سوگواری، چنانکه گویی سوگواری نبوده‌اند، و آنان که شادمانند، چنانکه گویی شادمان نبوده‌اند، و آنان که خرید می‌کنند، چنانکه گویی چیزی نداشته‌اند، <sup>۱۱</sup> و آنان که با این دنیا مراد دارند، چنانکه گویی با آن مرادهای نداشته‌اند. زیرا صورت کنونی این دنیا در گذر است.

<sup>۱۲</sup> می‌خواهم که شما از هر نگرانی آزاد باشید. مرد مجرد نگران امور خداوند است که چگونه خداوند را خشنود سازد، <sup>۱۳</sup> لیکن مرد متأهل نگران چیزهای دنیوی است که چگونه زنش را خشنود سازد، <sup>۱۴</sup> و علائقش منقسم شده است. زن مجرد و یا باکره نگران امور خداوند است که چگونه در جسم و در روح، مقدس باشد، لیکن زن متأهل نگران چیزهای دنیوی است، که چگونه شوهرش را خشنود سازد. <sup>۱۵</sup> من این را برای منفعت شما می‌گویم، نه تا شما را مقید کنم، بلکه به شایستگی رفتار کنید و زندگی خود را به خداوند وقف نمایید.

<sup>۱۶</sup> اگر کسی گمان می‌برد که نسبت به نامزد باکره‌اش به شایستگی عمل نمی‌کند، اگر شهوتش قوی است، و باید هم باشد، بگذار آنچه را که در نظر دارد، انجام دهد؛ بگذار ازدواج کند. این گناه نیست. <sup>۱۷</sup> اما کسی که در دل خود مصمم است و در فشار نیست، بلکه امیال خود را تحت کنترل دارد و در دل خود عزم کرده که او را نامزد خود نگاه دارد، نیکو می‌کند. <sup>۱۸</sup> پس آن که با نامزد خود

۲۸:۷ آیات ۲۶-۳۸ را چنین نیز می‌توان خواند: «اگر مردی بر این اندیشه است که نسبت به دختر باکره‌اش به ناشایستگی عمل می‌کند و اگر سن ازدواج آن دختر رسیده و آن مرد چنین می‌اندیشد که دخترش باید ازدواج کند، آنچه در نظر دارد انجام دهد. با این کار گناه نمی‌کند و باید بگذار دخترش ازدواج کند. اما اگر مردی در تصمیم خود راسخ است و برای ازدواج دخترش در فشار نیست، بلکه بر اراده خود مختار است و عزم جزم کرده که دختر باکره خود را شوهر ندهد، آن مرد نیز عملی نیکو انجام می‌دهد. پس آن که دختر باکره خود را شوهر می‌دهد، عملی نیکو انجام می‌دهد؛ اما آن که شوهر نمی‌دهد، عملی حتی بهتر انجام می‌دهد.»

شخم می‌زند، به امید شخم می‌زند، و آن که خرمن می‌کوبد، به امید خرمن می‌کوبد که در محصول سهیم گردد.<sup>۱۱</sup> اگر ما در میان شما چیزهای روحانی کاشتیم، آیا امر بزرگی است که از شما چیزهای مادی برداریم؟<sup>۱۲</sup> اگر دیگران بر شما چنین حقی دارند، آیا ما نه بیشتر؟ لیکن ما از این حق استفاده نکردیم، بلکه متحمل هرچیز شدیم تا مانعی بر سر راه انجیل مسیح نهاده باشیم.<sup>۱۳</sup> آیا نمی‌دانید آنان که در معبد کار می‌کنند، خوراکشان را از معبد می‌گیرند و نیز آنان که خدمت قربانگاه می‌کنند از هدایای قربانی نصیبی می‌یابند؟<sup>۱۴</sup> به همین طریق، خداوند حکم کرده است آنانی که انجیل را اعلان می‌کنند، می‌باید روزی خود را از انجیل بیابند.

<sup>۱۵</sup> اما من از هیچ یک از این حقوق استفاده نکردم و این را نیز نمی‌نویسم تا در حقم چنین کنید. مرگ را ترجیح می‌دهم به اینکه کسی مرا از این افتخار محروم کند.<sup>۱۶</sup> زیرا اگر بشارت دهم مرا فخری نیست، زیرا که ضرورت آن به گردنم گذاشته شده است. وای بر من اگر انجیل را بشارت دهم! <sup>۱۷</sup> زیرا اگر این را به میل خود انجام دهم، پاداشی دارم، ولی اگر به میل خود نکنم، هنوز هم وظیفه‌ای به من سپرده شده است.<sup>۱۸</sup> پس مرا چه پاداشی است؟ اینکه انجیل را به رایگان بشارت دهم و از حق خود در آن استفاده نکنم.

<sup>۱۹</sup> زیرا با اینکه از همه آزادم، خود را غلام همه ساختم تا بسیاری از آنها را به دست آورم.<sup>۲۰</sup> با یهودیان همچون یهودی شدم، تا یهودیان را به دست آورم. با اهل شریعت همچون اهل شریعت شدم تا اهل شریعت را به دست آورم - هرچند خود، زیر شریعت نیستم.<sup>۲۱</sup> با بی‌شریعتان چون بی‌شریعت شدم تا بی‌شریعتان را به دست آورم، هرچند خود، بدون شریعت خدا نیستم، بلکه تحت شریعت مسیح.<sup>۲۲</sup> با ضعیفان، ضعیف

می‌شویم، و نه به خوردن بدتر.<sup>۹</sup> اما مواظب باشید مبادا این اختیار شما باعث لغزش ضعیفان شود.<sup>۱۰</sup> زیرا اگر کسی تو را که صاحب معرفت هستی ببیند که در بتکده خوراک می‌خوری، و اگر او وجدانش ضعیف باشد، آیا ترغیب نمی‌شود که خوراک تقدیمی به بتها را بخورد؟<sup>۱۱</sup> پس، به سبب علم تو آن برادر ضعیف هلاک می‌شود، برادری که مسیح به خاطرش مرد.<sup>۱۲</sup> از این رو، زمانی که نسبت به برادران خود گناه می‌کنید و وجدان ضعیفشان را صدمه می‌رسانید، به مسیح گناه می‌کنید.<sup>۱۳</sup> پس، اگر خوراک سبب لغزش برادرم می‌شود، هرگز گوشت نخواهم خورد، مبادا باعث لغزش برادرم شوم.

### پوئس از حق خود می‌گذرد

**۹** آیا آزاد نیستم؟ آیا رسول نیستم؟ آیا خداوندان عیسی را ندیده‌ام؟ آیا شما ثمره کار من در خداوند نیستید؟<sup>۲</sup> اگر برای دیگران رسول نباشم، دست کم برای شما هستم؛ زیرا شما مَهر رسالت من در خداوند هستید.

<sup>۳</sup> این است دفاع من در برابر آنانی که قضاوتم می‌کنند.<sup>۴</sup> آیا حق نداریم بخوریم و بنوشیم؟<sup>۵</sup> آیا حق نداریم که همسر ایماندار را به همراه داشته باشیم، چون سایر رسولان و برادران خداوند و کیفا؟<sup>۶</sup> و آیا تنها من و برنابا هستیم که باید برای امرار معاش خود کار کنیم؟

<sup>۷</sup> کیست که با خرج خود سریازی کند؟ کیست که تاکستانی غرّس کند و از میوه‌اش نخورد؟ کیست که گله‌ای را شبانی کند و از شیر آن نگیرد؟<sup>۸</sup> آیا این سخنان را بر اساس اختیاراتی انسانی می‌گوییم؟ آیا شریعت نیز چنین نمی‌گوید؟<sup>۹</sup> زیرا در شریعت موسی نوشته شده «گاوی را که خرمن می‌کوبد، دهان مَبند.» آیا خدا در فکر گاوهاست؟<sup>۱۰</sup> آیا این را دربارہ ما نمی‌گوید؟ البته این کلام برای ما نوشته شده است، زیرا آن که

به هلاکت رسیدند.<sup>۹</sup> نباید مسیح را به امتحان کشیم، چنانکه بعضی از آنان کردند و به وسیله مارها هلاک شدند.<sup>۱۰</sup> و نه شکایت کنیم، چنانکه بعضی از ایشان کردند و توسط هلاک‌کننده هلاک شدند.

<sup>۱۱</sup> این امور همچون نمونه‌ای به سر آنان آمد، لیکن نوشته شد تا ما را تعلیم دهد، ماهایی که برایشان زمانهای آخر آمده است.<sup>۱۲</sup> پس آن که گمان می‌کند استوار است، بیاید که نیفتد.<sup>۱۳</sup> هیچ امتحانی بر شما نیامده که مناسب بشر نباشد. لیکن خدا وفادار است و اجازه نمی‌دهد بیش از توانتان امتحان گردید، بلکه با امتحان راه‌گیزی نیز فراهم می‌سازد تا یاری تحمل آن را داشته باشید.

<sup>۱۴</sup> پس ای عزیزانم، از بت‌پرستی بگریزید.<sup>۱۵</sup> با عاقلان سخن می‌گوییم؛ خود درباره آنچه می‌گوییم قضاوت کنید.<sup>۱۶</sup> پیاله برکت که آن را مبارک می‌خوانیم، مگر مشارکت در خون مسیح نیست؟ و نانی را که پاره می‌کنیم، مگر مشارکت در بدن مسیح نیست؟<sup>۱۷</sup> زیرا ما که بسیاریم، یک نان و یک بدن هستیم، زیرا همه از یک نان سهم می‌بریم.<sup>۱۸</sup> قوم اسرائیل را ملاحظه کنید: مگر آنان که از قربانی‌ها می‌خوردند، در قربانگاه شریک نمی‌شدند؟<sup>۱۹</sup> پس مقصودم چیست؟ اینکه خوراکی تقدیمی به بت چیزی است، یا اینکه بت چیزی است؟<sup>۲۰</sup> نه، مقصودم این است که آنچه بت‌پرستان قربانی می‌کنند، به دیوها تقدیم می‌کنند نه به خدا. و من نمی‌خواهم شما شریک دیوها باشید.<sup>۲۱</sup> شما نمی‌توانید هم از پیاله خداوند بنوشید و هم از پیاله دیوها. شما نمی‌توانید هم از سفره خداوند بخورید و هم از سفره دیوها.<sup>۲۲</sup> آیا خداوند را به غیرت می‌آوریم؟ آیا از او توانا تریم؟

شدم تا ضعیفان را به دست آورم. همه کس را همه چیز شدم تا به هر نحو برخی را نجات بخشم.<sup>۲۳</sup> این همه را به خاطر انجیل می‌کنم، تا با آنان در برکاتش شریک گردم.

<sup>۲۴</sup> آیا نمی‌دانید که در میدان مسابقه، همه می‌دوند، اما تنها یکی جایزه را می‌برد؟ پس شما چنان بدوید که ببرید.<sup>۲۵</sup> هر ورزشکار، در هر چیز، متحمل انضباطی سخت می‌شود. آنان چنین می‌کنند تا تاجی فانی را به دست آورند، ولی ما تاجی غیرفانی را.<sup>۲۶</sup> پس من بی‌هدف نمی‌دوم، و مشت نمی‌زنم همچون کسی که هوا را بزند.<sup>۲۷</sup> بلکه تن خود را سختی می‌دهم و آنرا در تحت سلطه خود نگاه می‌دارم، مبادا پس از موعظه به دیگران، خود محروم گردم.

### هشدار بر علیه بت‌پرستی

۱۰. زیرا ای برادران، نمی‌خواهم بی‌خبر باشید که پدران ما همه زیر ابر بودند و همه از دریا عبور کردند.<sup>۲</sup> و همه در ابر و در دریا به موسی تعمیم یافتند،<sup>۳</sup> و همه همان خوراک روحانی را خوردند<sup>۴</sup> و همان آب روحانی را نوشیدند، زیرا از آن صخره روحانی می‌نوشیدند که به دنبال ایشان می‌آمد و آن صخره مسیح بود.<sup>۵</sup> با این همه، خدا از بیشتر آنان خوشنود نبود، چرا که اجسادشان در بیابان پراکنده شد.

<sup>۶</sup> حال، این چیزها به وقوع پیوست تا نمونه‌هایی برای ما باشد که ما مشتاق بدی نباشیم، چنانکه ایشان بودند.<sup>۷</sup> بت‌پرست مباشید، آن طور که بعضی از ایشان بودند؛ چنان که نوشته شده است: «قوم به خوردن و نوشیدن نشستند و به جهت لُهو و لُعب به پا خاستند».<sup>۸</sup> نباید خود را به گناهان جنسی بی‌الایم، چنانکه بعضی از ایشان کردند و در یک روز بیست و سه هزار نفر

۲۷:۹ در متن یونانی، بدن خود را می‌گویم

۷:۱۰ خروج ۳۲:۶

۸:۱۰ اعداد ۲۵:۹

۹:۱۰ در برخی از نسخ، خداوند را

### همه را برای جلال خدا بکنید

خداست. <sup>۴</sup> هر مردی که سر پوشیده دعا یا نبوت کند، سر خود را رسوا می‌نماید. <sup>۵</sup> و هر زنی که سر نپوشیده دعا یا نبوت کند، سر خود را رسوا می‌نماید؛ زیرا مثل این است که سر خود را تراشیده باشد. <sup>۶</sup> زیرا اگر زنی سر خود را نمی‌پوشاند، پس می‌بایست موهای خود را کوتاه کند؛ لیکن چون برای زن شرم‌آور است که موهایش را کوتاه کند یا بتراشد، پس باید سر خود را بپوشاند. <sup>۷</sup> زیرا مرد نباید سر خود را بپوشاند، چون او صورت و جلال خداست؛ اما زن، جلال مرد است. <sup>۸</sup> زیرا مرد از زن پدید نیامده، بلکه زن از مرد. <sup>۹</sup> و مرد برای زن آفریده نشده، بلکه زن برای مرد. <sup>۱۰</sup> از این جهت زن باید نشانی از اقتدار بر سر خود داشته باشد، به‌خاطر فرشتگان. <sup>۱۱</sup> با این وجود، در خداوند زن از مرد مستقل نیست و نه مرد از زن. <sup>۱۲</sup> زیرا چنانکه زن از مرد پدید آمد، مرد نیز به واسطه زن پدید می‌آید، اما همه چیز از خداست. <sup>۱۳</sup> خودتان قضاوت کنید: آیا برای زن شایسته است که سر نپوشیده نزد خدا دعا کند؟ <sup>۱۴</sup> آیا خود طبیعت به شما نمی‌آموزد که اگر مردی موی بلند داشته باشد، برای او شرم‌آور است، <sup>۱۵</sup> اما اگر زنی موی بلند دارد، فخر اوست؟ زیرا که موی به جهت پوشش به او داده شده است. <sup>۱۶</sup> اگر کسی بر آن است که مجادله کند، ما و نیز کلیساهای خدا را چنین رسمی نیست.

### شام خداوند

<sup>۱۷</sup> اما در آنچه به شما حکم می‌کنم، شما را تحسین نمی‌کنم، زیرا وقتی با هم جمع می‌شوید، این، به بهتر شدن اوضاع کمک نمی‌کند، بلکه به بدتر شدنش. <sup>۱۸</sup> زیرا اولاً زمانی که در مقام کلیسا باهم جمع می‌شوید، می‌شنوم که در میان شما جدایی‌ها روی می‌دهد، و این را تا اندازه‌ای

<sup>۲۳</sup> «همه چیز جایز است» - اما همه چیز مفید نیست. «همه چیز رواست» - اما همه چیز بنا نمی‌کند. <sup>۲۴</sup> هیچ‌کس نفع خود را طالب نباشد، بلکه نفع دیگری را. <sup>۲۵</sup> هر گوشتی را که در بازار می‌فروشند، بخورید و به سبب وجدان هیچ مپرسید. <sup>۲۶</sup> زیرا «زمین و هرآنچه در آن است از آن خداوند است.» <sup>۲۷</sup> اگر کسی از بی‌ایمانان شما را به صرف غذا دعوت می‌کند و شما مایل به رفتن هستید، هرآنچه در پیشتان می‌گذارد بخورید و به سبب به وجدان هیچ مپرسید. <sup>۲۸</sup> اما اگر کسی به شما گوید: «این گوشت قربانی است.» به‌خاطر کسی که این را به شما گفت و به سبب وجدان، از آن مخورید - <sup>۲۹</sup> البته مقصودم وجدان شما نیست، بلکه وجدان آن شخص. زیرا چرا باید آزادی مرا وجدان شخصی دیگر مشخص کند؟ <sup>۳۰</sup> اگر با شکرگزاری می‌خورم، چرا به‌خاطر آنچه برای آن شکر می‌گویم، محکوم کنند؟

<sup>۳۱</sup> پس هر چه می‌خورید و یا می‌نوشید، و یا هر چه می‌کنید، همه را برای جلال خدا بکنید. <sup>۳۲</sup> یهودیان و یونانیان و کلیسای خدا را، نرنجانید. <sup>۳۳</sup> همان‌گونه که تلاش می‌کنم تا همه را در هر کاری که می‌کنم خشنود سازم و طالب نفع خود نیستم، بلکه طالب نفع بسیاری، که نجات یابند. حال، از من نمونه بگیرید، چنانکه من از مسیح نمونه می‌گیرم.

### پوشش سر

<sup>۲</sup> شما را تحسین می‌کنم که در همه چیز مرا به یاد می‌آورید و سنتها را به همان شکل که به شما سپردم، حفظ می‌کنید. <sup>۳</sup> اما می‌خواهم بدانید که سر هر مرد، مسیح است، سر زن، شوهرش می‌باشد، و سر مسیح

۱۰:۲۴ مزمور

۱۱:۳ یا "شوهر".

۱۱:۳ یا "همسر".

۳۳ پس ای برادران من، زمانی که برای خوردن جمع می‌شوید، منتظر یکدیگر باشید. ۳۴ اگر کسی گرسنه است، در خانه خود بخورد تا وقتی جمع می‌شوید به جهت محکومیت نباشد. در خصوص سایر چیزها وقتی نزدتان آمد، دستورات لازم را خواهم داد.

### عطایای روحانی

۱۲ و اما در خصوص عطایای روحانی، ای برادران، نمی‌خواهم بی‌خبر باشید. ۲ می‌دانید که وقتی بت‌پرست بودید، به هر نحو از راه به در شده، به سوی بت‌های گنگ برده می‌شدید. ۳ پس می‌خواهم بدانید که هر که به واسطه روح خدا سخن گوید، عیسی را لعنت نمی‌کند، و هیچ‌کس جز به واسطه روح‌القدس نمی‌تواند بگوید «عیسی خداوند است.» ۴ حال، عطایا گوناگونند، اما روح، همان است؛ ۵ خدمتها گوناگونند، اما خداوند همان است؛ ۶ عملها گوناگونند، اما همان خداست که همه را در همه به عمل می‌آورد.

۷ و تجلی روح به هر کس برای خیریت همه داده می‌شود. ۸ به یکی به وسیله روح، کلام حکمت داده می‌شود، به دیگری به واسطه همان روح، کلام معرفت، ۹ و به کسی دیگر به وسیله همان روح، ایمان و به دیگری توسط همان روح، عطایای شفا دادن. ۱۰ به کسی قدرت انجام معجزات بخشیده می‌شود، به دیگری نبوت، و به دیگری تشخیص ارواح، و به دیگری سخن گفتن به انواع زبانها و به دیگری ترجمه زبانها. ۱۱ اما همه اینها را تک و همان روح به عمل می‌آورد که آنها را مطابق اراده خود به هر کس به شکل فردی عطا می‌کند.

باور می‌کنم. ۱۹ زیرا که تفرقه‌ها باید در میان شما باشد، تا آنانی که اصیل هستند، در میان شما شناخته شوند. ۲۰ وقتی باهم جمع می‌شوید، شام خداوند نیست که می‌خورید. ۲۱ زیرا هنگام خوردن، هر کس بی‌تامل شام خود را می‌خورد. یکی گرسنه می‌ماند و دیگری مست می‌شود. ۲۲ یعنی چه! مگر خانه‌ها برای خوردن و نوشیدن ندارید؟ یا اینکه کلیسای خدا را خوار می‌شمارید و آنانی را که بی‌چیز هستند، شرمسار می‌سازید؟ به شما چه بگویم؟ آیا در این کار تحسینتان کنم؟ نه، نخواهم کرد.

۲۳ زیرا من از خداوند یافتم آنچه را به شما نیز سپردم، که عیسی خداوند در شبی که او را تسلیم کردند، نان را گرفت ۲۴ و شکر نموده، پاره کرد و گفت: «این است بدن من برای شما. این را به یادگار از من به جای آورید.» ۲۵ و همچنین، پس از شام، پیاله را گرفته، گفت: «این پیاله، عهد جدید است در خون من. هر بار که از آن می‌نوشید، به یاد من چنین کنید.» ۲۶ زیرا هرگاه این نان را بخورید و از این پیاله بنوشید، مرگ خداوند را اعلان می‌کنید تا زمانی که باز آید.

۲۷ پس هر که به طور ناشایسته نان را بخورد و از پیاله خداوند بنوشد، نسبت به بدن و خون خداوند مجرم خواهد بود. ۲۸ بگذار هر کس خود را امتحان کند و سپس از نان بخورد و از پیاله بیاشامد. ۲۹ زیرا هر که بدون آنکه بدن را تشخیص دهد، از بدن بخورد و بنوشد، در واقع محکومیت خود را می‌خورد و می‌نوشد. ۳۰ از این سبب است که بسیاری از شما ضعیف و بیمارند و بسیاری هم مرده‌اند. ۳۱ اما اگر حقیقتاً بر خود حکم می‌کردیم، بر ما حکم نمی‌شد. ۳۲ لیکن هنگامی که خداوند بر ما حکم می‌کند، تأدیب می‌شویم تا با دنیا محکوم نگردیم.

۱۱:۲۴ در برخی از ترجمه‌ها، این است بدن من که برای شما پاره شد

۱۱:۳۰ در متن یونانی، خوابیده‌اند،

۱۲:۱۰ در تمام این باب و همچنین در بابهای ۱۳ و ۱۴، اصطلاح «سخن گفتن به زبانهای غیر» یا «سخن گفتن به زبانی»، به زبان یا زبانهای اشاره دارد که شخص آنها را نیاموخته و نمی‌داند.

### یک بدن با اعضای متعدد

۱۲ زیرا چنانکه بدن یک است، و اعضای بسیار دارد و همه اعضای بدن، اگرچه بسیارند، اما یک بدن هستند، در مورد مسیح نیز چنین است. ۱۳ زیرا همه ما به یک روح در یک بدن تعمیم یافتیم، چه یهود و چه یونانی، چه غلام و چه آزاد، و همه ما از یک روح نوشانیده شدیم. ۱۴ زیرا بدن نه از یک عضو، بلکه از اعضای بسیار تشکیل شده است. ۱۵ اگر پا گوید، «چون دست نیستم، به بدن تعلق ندارم»، این سبب نمی‌شود که عضوی از بدن نباشد. ۱۶ و اگر گوش گوید، «چون چشم نیستم، به بدن تعلق ندارم»، این سبب نمی‌شود که عضوی از بدن نباشد. ۱۷ اگر تمام بدن چشم بود، شنیدن چگونه میسر می‌شد؟ و اگر تمام بدن گوش بود، بوییدن چگونه ممکن می‌شد؟ ۱۸ اما چنانکه معلوم است، خدا مطابق اراده خود، هر یک از اعضا را در بدن قرار داد. ۱۹ اگر همه یک عضو بودند، بدن کجا می‌بود؟ ۲۰ اما اعضا بسیارند، در حالی که بدن یکی است. ۲۱ چشم نمی‌تواند به دست بگوید، «نیازی به تو ندارم!» یا سر نمی‌تواند به پایها بگوید، «محتاجتان نیستم!» ۲۲ برعکس، آن اعضای بدن که ضعیفتر می‌نمایند، بسیار ضروریت‌ترند. ۲۳ و آن اعضای بدن را که پست‌تر می‌پنداریم، بیشتر حرمت می‌داریم، و با اعضایی که زیبا نیستند، با احترام خاص رفتار می‌کنیم؛ ۲۴ حال آنکه اعضای زیبای ما به چنین احترامی نیاز ندارند. اما خدا بدن را چنان مرتب ساخته که حرمت بیشتر نصیب اعضایی شود که فاقد آند، ۲۵ تا جدایی در بدن نباشد، بلکه اعضای آن به یک اندازه در فکر یکدیگر باشند. ۲۶ اگر یک عضو دردمند گردد، همه اعضا با او همدرد باشند؛ و اگر یک عضو سرافراز شود، همه با او شادی کنند.

۲۷ اینک شما بدن مسیح هستید و هر یک عضوی از آن. ۲۸ و خدا قرار داده در کلیسا،

اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلمان؛ بعد قدرت معجزات، سپس عطایای شفا دادن و امداد و مدیریت و انواع زبانها. ۲۹ آیا همه رسولند؟ آیا همه نبی‌اند؟ آیا همه معلمند؟ آیا همه معجزه می‌کنند؟ ۳۰ آیا همه عطایای شفا دادن را دارند؟ آیا همه به زبانها سخن می‌گویند؟ آیا همه ترجمه می‌کنند؟ ۳۱ لیکن عطایای برتر را به اشتیاق بطلبید. و طریق والا را به شما نشان خواهم داد.

### طریق محبت

۱۳ اگر به زبانهای آدمیان و فرشتگان سخن گویم، ولی محبت نداشته باشم، ناقوسی پرصدا و سنجی پرهیاهو هستم. ۲ اگر قدرت نبوت داشته باشم و تمامی آسرار و معارف را بدانم، و اگر ایمان کامل داشته باشم تا حدی که بتوانم کوهها را جابه‌جا کنم، اما محبت نداشته باشم، هیچ هستم. ۳ اگر همه دارایی خود را صدقه دهم و بدن خود را به سوختن تسلیم کنم، اما محبت نداشته باشم، هیچ سود نمی‌برم. ۴ محبت بردبار و مهربان است؛ محبت حسد نمی‌برد؛ محبت فخر نمی‌فرشد و کبر و غرور ندارد. ۵ رفتار ناشایست ندارد و نفع خود را نمی‌جوید؛ تندخو نیست و کینه به دل نمی‌گیرد؛ ۶ از بدی مسرور نمی‌شود، اما با حقیقت شادی می‌کند. ۷ محبت در همه چیز صبر می‌کند و همه چیز را باور می‌نماید، در همه چیز امیدوار است و همه چیز را تحمّل می‌کند.

۸ محبت هرگز پایان نمی‌پذیرد. اما نبوتها از میان خواهد رفت و زبانها پایان خواهد پذیرفت و معرفت زایل خواهد شد. ۹ زیرا جزئی می‌دانیم و جزئی نبوت می‌کنیم، ۱۰ اما چون کامل آید، جزئی از میان خواهد رفت. ۱۱ زمانی که کودک بودم، چون کودک سخن می‌گفتم و چون کودک فکر می‌کردم و چون کودک استدلال می‌نمودم. اما وقتی مرد شدم، طریقهای کودکانه را ترک کردم.

اگر معنی زبان را ندانم، نزد گوینده بیگانه خواهم بود و گوینده نزد من بیگانه.<sup>۱۲</sup> همچنین شما نیز چون مشتاق تجلیات روح هستید، بکوشید که در بنای کلیسا ترقی کنید.

<sup>۱۳</sup> بنابراین، آن که به زبانی سخن می‌گوید، باید دعا کند تا ترجمه نماید.<sup>۱۴</sup> زیرا اگر من به زبانی دعا کنم، روح دعا می‌کند، اما عاقلم در آن سهیم نیست.<sup>۱۵</sup> پس چه باید بکنم؟ به روح خود دعا خواهم کرد و به عقل خود نیز دعا خواهم کرد؛ به روح خود سرود خواهم خواند و به عقل خود نیز خواهم خواند.<sup>۱۶</sup> در غیر این صورت، اگر تو در روح شکرگزاری می‌کنی، چگونه کسی که زیانت را نمی‌فهمد، به شکرگزاری تو آمین بگوید وقتی که نمی‌داند تو چه می‌گویی؟<sup>۱۷</sup> زیرا تو البته نیکو شکر می‌کنی، اما آن دیگری بنا نمی‌شود.<sup>۱۸</sup> خدا را شکر می‌کنم که بیشتر از همه شما به زبانها سخن می‌گویم؛<sup>۱۹</sup> اما در کلیسا ترجیح می‌دهم پنج کلمه با عقل خود سخن گویم که دیگران را تعلیم داده باشم، تا اینکه هزاران کلمه به زبانی بگویم.

<sup>۲۰</sup> ای برادران، در فهم کودک نباشید، بلکه در بدی کردن کودک باشید و در فهم بالغ.<sup>۲۱</sup> در شریعت نوشته شده است:

«خداوند می‌گوید،

"به زبانهای غریب

و با لبهای بیگانگان

با این قوم سخن خواهم گفت.

با این همه مرا نخواهند شنید."<sup>۲۲</sup>

پس زبانها، نشانه‌ای است نه برای ایمانداران، بلکه برای بی‌ایمانان، اما نبوت نشانه‌ای برای بی‌ایمانان نیست، بلکه برای ایمانداران.<sup>۲۳</sup> از این رو، اگر همه کلیسا با هم جمع شوند و همه به زبانها سخن گویند، و اشخاص غیر یا بی‌ایمان وارد شوند، آیا نخواهند گفت که شما دیوانه‌اید؟<sup>۲۴</sup> اما اگر همه نبوت کنند و شخصی بی‌ایمان یا

<sup>۱۲</sup> زیرا اکنون در آینه تاری می‌بینیم، ولی آن موقع روبه‌رو. اکنون جزئی می‌دانم؛ اما آن موقع به طور کامل خواهم شناخت، چنانکه به طور کامل نیز شناخته شده‌ام.

<sup>۱۳</sup> پس حال، این سه چیز باقی است، ایمان، امید و محبت. اما بزرگترین اینها محبت است.

### عطایای نبوت و زبانها

**۱۴** در پی محبت بکوشید و با اشتیاق عطایای روح را بطلبید، بخصوص اینکه نبوت کنید.<sup>۲</sup> زیرا آن که به زبانی سخن می‌گوید، نه با انسانها، بلکه با خدا سخن می‌گوید. زیرا هیچ کس سخنش را درک نمی‌کند؛ لیکن اسرار را به واسطه روح بیان می‌کند.<sup>۳</sup> و لیکن، آن که نبوت می‌کند، با مردم برای بنا، تشویق و تسلی‌شان سخن می‌گوید.<sup>۴</sup> آن که به زبانی سخن می‌گوید، خود را بنا می‌کند، اما آن که نبوت می‌کند، کلیسا را بنا می‌کند.<sup>۵</sup> و خواهش دارم که همه شما به زبانها سخن گویند، اما بیشتر آن که نبوت کنید. آن که نبوت می‌کند، بزرگتر است از آن که به زبانها سخن می‌گوید، مگر اینکه کسی ترجمه کند تا کلیسا بنا شود.

<sup>۶</sup> حال ای برادران، اگر نزد شما آمده به زبانها سخن گویم، چه نفعی به شما خواهم رساند، مگر اینکه مکاشفه یا معرفت یا نبوت یا تعلیمی برایتان داشته باشم؟<sup>۷</sup> حتی سازهای بی‌جانی چون نی و چنگ اگر صداهای مشخص ندهند، چگونه می‌توان دانست چه نواخته می‌شود؟<sup>۸</sup> و اگر شیپور آوای مشخص ندهد، چه کسی آماده جنگ می‌شود؟<sup>۹</sup> همچنین شما نیز اگر به زبان خود کلماتی مفهوم نگویید، چگونه می‌توان دانست که چه گفته شد؟ زیرا که سخنانتان باد هوا خواهد بود.<sup>۱۰</sup> بی‌شک در جهان انواع زبانها وجود دارد، اما هیچ یک بی‌معنی نیست.<sup>۱۱</sup> پس

۱۲:۱۳ آینه‌ها در آن زمان فقط تصویری محو به دست می‌داد.

۱۴:۳ یا "نصیحت".

۱۴:۲۱ اشعیا ۲۸:۱۱ و ۱۲

می‌نویسم فرمانی از خداوند است.<sup>۳۸</sup> اگر کسی این را تصدیق نمی‌کند، تصدیق نخواهد شد.  
<sup>۳۹</sup> پس ای برادران من، مشتاق آن باشید که نبوت کنید و سخن گفتن به زبانها را منع ننمایید.  
<sup>۴۰</sup> اما همه چیز باید به شایستگی و با نظم و ترتیب صورت گیرد.

### رستاخیز مسیح

۱۵ اکنون، ای برادران، می‌خواهم انجیلی را که به شما بشارت دادم، به یادتان آورم که آن را پذیرفتید و در آن استوارید<sup>۲</sup> و به وسیله آن نجات می‌یابید، به شرط آنکه کلامی را که به شما بشارت دادم، استوار نگاه دارید. و گرنه بیهوده ایمان آوردید.

<sup>۳</sup> زیرا من آنچه را که به من رسید، چون نخستین مطلب مهم به شما سپردم: اینکه مسیح مطابق با کتب مقدس در راه گناهان ما مرد،<sup>۴</sup> و اینکه دفن شد و مطابق کتب در روز سوم از مردگان برخاست،<sup>۵</sup> و اینکه بر کیفا ظاهر شد و سپس بر آن دوازده.<sup>۶</sup> پس از آن، یک بار به بیش از پانصد تن از برادران ظاهر شد که بسیاری از ایشان هنوز زنده‌اند، هرچند بعضی خوابیده‌اند.<sup>۷</sup> سپس بر یعقوب ظاهر شد و بعد بر همه رسولان،<sup>۸</sup> و آخر از همه بر من نیز، که همچون طفلی سَقَط شده بودم.

<sup>۹</sup> زیرا من در میان رسولان کمترینم، و لایق نیستم رسول خوانده شوم، چونکه کلیسای خدا را آزار می‌رسانیدم.<sup>۱۰</sup> اما به فیض خدا آنچه هستم، هستم و فیض او نسبت به من بیهوده نبود. برعکس، من از همه آنها سخت‌تر کار کردم، اما نه من، بلکه آن فیض خدا که با من است.<sup>۱۱</sup> به هر حال، خواه من خواه آنان، این چنین وعظ می‌کنیم و این چنین شما ایمان آوردید.

غیر وارد شود، از جانب همه محکوم خواهد شد، و توسط همه به شما جوابگو خواهد شد<sup>۲۵</sup> و خفایای دلش آشکار خواهد شد و نیز به روی در افتاده، خدا را پرستش خواهد کرد و اعلان خواهد نمود که: «به راستی خدا در میان شماست.»

### نظم و ترتیب در عبادت

<sup>۲۶</sup> پس، چه ای برادران؟ وقتی که جمع می‌شوید، هر کس سرودی، تعلیمی، مکاشفه‌ای، زبانی و یا ترجمه‌ای دارد. همه باید برای بنای کلیسا به کار رود.<sup>۲۷</sup> اگر کسی به زبانی سخن گوید، دو یا حداکثر سه، و هر یک به نوبت سخن گویند و کسی ترجمه کند.<sup>۲۸</sup> اما اگر مترجمی نباشد، در کلیسا خاموش بمانند و با خود و خدا سخن گویند.

<sup>۲۹</sup> و از انبیا، دو یا سه سخن گویند و دیگران گفتار آنها را بسنجند.<sup>۳۰</sup> و اگر چیزی به شخصی دیگر که آنجا نشسته است، مکاشفه شود، آن فرد اول ساکت بماند.<sup>۳۱</sup> زیرا همه می‌توانید یک به یک نبوت کنید تا همه تعلیم یابند و همه تشویق شوند.<sup>۳۲</sup> و ارواح انبیا مطیع انبیا می‌باشند.<sup>۳۳</sup> زیرا خدا، خدای بی‌نظمی نیست، بلکه خدای صلح و آرامی.

چنانکه در همه کلیساهای مقدسین مرسوم است،<sup>۳۴</sup> زنان باید در کلیساها خاموش بمانند. زیرا آنان اجازه ندارند سخن گویند، بلکه چنانکه شریعت می‌گوید، باید مطیع باشند.<sup>۳۵</sup> اگر می‌خواهند چیزی بیاموزند، از شوهر خود در خانه بپرسند؛ زیرا برای زن شرم آورست که در کلیسا سخن بگوید.

<sup>۳۶</sup> آیا کلام خدا از شما صادر شد؟ یا تنها به شما رسیده است؟<sup>۳۷</sup> اگر کسی خود را نبی یا روحانی می‌پندارد، تصدیق کند که آنچه به شما

۳۳:۱۴ در برخی از ترجمه‌ها، قسمت آخر آیه ۳۳ را در شروع پاراگراف بعدی قرار می‌دهند: «همان‌گونه که در همه کلیساهای مقدسین چنین است، زنان باید...».

۳۵:۱۴ در برخی از نسخه‌ها آیات ۳۴-۳۵ بعد از آیه ۴۰ آمده است.

### رستاخیز مردگان

‘همه چیز’ را زیر پایهای او نهاد، آشکار است که او که همه چیز را زیر پایهای مسیح نهاد، مستثنی است. <sup>۲۸</sup> هنگامی که همه چیز مطیع او گردید، آنگاه خودِ پسر نیز مطیع آن کس خواهد شد که همه چیز را زیر پایهای او نهاد، تا خدا کل در کل باشد.

<sup>۲۹</sup> و گرنه، آنان که به نیابت از مردگان تعمید می‌گیرند، چه کنند؟ اگر مردگان به هیچوجه برنمی‌خیزند، چرا به نیابت از ایشان تعمید می‌گیرند؟ <sup>۳۰</sup> و چرا ما هر لحظه در خطر هستیم؟ <sup>۳۱</sup> ای برادران، به فخری که در خداوندان مسیح عیسی در مورد شما دارم قَسَم که من هر روز با مرگ روبرو می‌شوم. <sup>۳۲</sup> اگر جنگ من با وحوش در اَفْسَس تنها به دلایل بشری بوده، چه سودی از آن برده‌ام؟ اگر مردگان برنمی‌خیزند، «بیاید بخوریم و بنوشیم

زیرا فردا می‌میریم.»

<sup>۳۳</sup> فریب مخورید: «معاشرت بد، اخلاق خوب را فاسد می‌سازد.» <sup>۳۴</sup> از رخوت خود بیدار شوید که درستش هم همین است و دیگر در گناه ادامه ندهید. چرا که در بعضی معرفت خدا نیست. این را می‌گویم تا شرمنده شوید.

### رستاخیز بدن

<sup>۳۵</sup> اما شاید کسی بپرسد: «مردگان چگونه برمی‌خیزند و با چه نوع بدنی می‌آیند؟» <sup>۳۶</sup> ای احمق! آنچه می‌کاری، تا نمیرد زنده نمی‌شود. <sup>۳۷</sup> و آنچه می‌کاری، نه آن جسمی را که خواهد شد می‌کاری، بلکه دانه‌ای را، خواه گندم و خواه دانه‌های دیگر. <sup>۳۸</sup> اما خدا جسمی را که خود تعیین کرده است، به آن می‌بخشد و هر نوع دانه را جسمی مخصوص عطا می‌کند. <sup>۳۹</sup> چرا که همه

<sup>۱۲</sup> حال اگر اعلان می‌کنیم که مسیح از مردگان برخاست، چگونه است که بعضی از شما می‌گویند رستاخیز مردگان نیست؟ <sup>۱۳</sup> لیکن اگر مردگان را رستاخیز نیست، پس حتی مسیح نیز برنخاسته است. <sup>۱۴</sup> و اگر مسیح برنخاسته، هم وعظ ما باطل است، هم ایمان شما. <sup>۱۵</sup> و برای خدا شاهدان دروغین می‌شویم، زیرا دربارہ خدا شهادت دادیم که مسیح را از مردگان برخیزانید، حال آنکه اگر درست باشد که مردگان برنمی‌خیزند، پس خدا او را برنخیزانیده است. <sup>۱۶</sup> زیرا اگر مردگان برنمی‌خیزند، حتی مسیح نیز برنخاسته است. <sup>۱۷</sup> و اگر مسیح برنخاسته است، ایمان شما باطل است و شما هنوز در گناهان خود هستید. <sup>۱۸</sup> بلکه آنان نیز که در مسیح خوابیده‌اند، هلاک شده‌اند. <sup>۱۹</sup> اگر فقط در این زندگی به مسیح امیدواریم، از همه مردم بدبخت‌تریم.

<sup>۲۰</sup> اما مسیح در واقع از مردگان برخاسته و نویر خوابیدگان شده است. <sup>۲۱</sup> زیرا چنانکه مرگ به واسطه یک انسان آمد، رستاخیز مردگان نیز به واسطه یک انسان آمد. <sup>۲۲</sup> زیرا چنانکه در آدم همه می‌میرند، در مسیح نیز همه زنده خواهند شد. <sup>۲۳</sup> اما هر کس به نوبه خود: اول مسیح که نویر بود؛ و بعد، به هنگام آمدن او، آنان که متعلق به مسیح‌اند. <sup>۲۴</sup> سپس پایان فرا خواهد رسید، آنگاه که پس از برانداختن هر ریاست و قدرت و قوت، پادشاهی را به خدای پدر بسپارد. <sup>۲۵</sup> زیرا او باید سلطنت کند تا زمانی که همه دشمنانش را زیر پایهایش بگذارد. <sup>۲۶</sup> دشمن آخر که باید نابود شود، مرگ است. <sup>۲۷</sup> زیرا خدا «همه چیز را زیر پایهای او نهاد.» اما وقتی گفته می‌شود

۱۸:۱۵ منظور ایمانداران وفات یافته است.

۲۷:۱۵ مزمور ۸:۶

۳۲:۱۵ اشعیا ۲۲:۱۳

۳۳:۱۵ اقتباس از نمایشنامه کمدی «تایس» که «مِناندر» آنرا در قرن ۴ - ۳ قبل از میلاد نوشته. این نقل قول در زمان پولس گفته‌ای رایج بود

شیپور آخر، زیرا شیپور به صدا در خواهد آمد و مردگان در فسادناپذیری برخوانند خاست و ما دگرگون خواهیم شد.<sup>۵۳</sup> زیرا این بدن فسادپذیر باید فسادناپذیری را بپوشد و این بدن فانی باید به بقا آراسته شود.<sup>۵۴</sup> وقتی این فسادپذیر، فسادناپذیری را بپوشید و این فانی به بقا آراسته شد، آنگاه آن کلام مکتوب به انجام خواهد رسید که می‌گوید: «مرگ در پیروزی بلعیده شده است.»

<sup>۵۵</sup> «ای مرگ، پیروزی تو کجاست؟

و ای موت، نیش تو کجاست؟»

<sup>۵۶</sup> نیش مرگ، گناه است و قدرت گناه، شریعت.<sup>۵۷</sup> اما شکر خدا را که به واسطه خداوند ما عیسی مسیح به ما پیروزی می‌بخشد.

<sup>۵۸</sup> پس، ای برادران محبوم، ثابت و استوار بوده، همواره به کار خداوند مشغول باشید، زیرا می‌دانید زحمت شما در خداوند بیهوده نیست.

### جمع‌آوری هدایا برای مقدسین

۱۶ و اما درباره جمع‌آوری هدایا برای مقدسین: شما نیز آنچه را که به کلیساهای غلاطیه گفته‌ام، انجام دهید.<sup>۲</sup> روز اوّل هر هفته، هر یک از شما، به نسبت درآمد خود، پولی کنار گذاشته، پس‌انداز کند، تا به وقت آمدنم، لزومی به جمع‌آوری هدایا نباشد.<sup>۳</sup> و چون بیایم، آنانی را که شما تایید می‌کنید، با نامه‌ها خواهم فرستاد تا هدایای شما را به اورشلیم ببرند.<sup>۴</sup> و اگر صلاح باشد که من نیز بروم، آنان مرا همراهی خواهند کرد.

### برنامه های سفر

<sup>۵</sup> پس از گذر از مقدونیه نزد شما خواهم آمد، زیرا از مقدونیه خواهم گذشت.<sup>۶</sup> و شاید نزدتان

جسمها یک نیستند. برای آدمیان یک نوع، برای حیوانات نوعی دیگر، برای پرندگان نوعی دیگر؛ و ماهیان را نیز نوعی دیگر.<sup>۴۰</sup> و جسمهای آسمانی و جسمهای زمینی هستند. اما جلال جسمهای آسمانی از یک نوع است و جلال جسمهای زمینی از نوعی دیگر.<sup>۴۱</sup> برای خورشید جلالی هست، و برای ماه جلالی دیگر، و ستارگان نیز جلالی دیگر؛ زیرا ستاره نیز از ستاره دیگر در جلال متفاوت است.

<sup>۴۲</sup> در مورد رستاخیز مردگان نیز چنین است. آنچه کاشته می‌شود، فسادپذیر است؛ آنچه برمی‌خیزد، فسادناپذیر.<sup>۴۳</sup> در ذلت کاشته می‌شود، در جلال برمی‌خیزد. در ضعف کاشته می‌شود، در قدرت برمی‌خیزد.<sup>۴۴</sup> بدن طبیعی کاشته می‌شود، بدن روحانی برمی‌خیزد. اگر بدن طبیعی وجود دارد، بدن روحانی نیز وجود دارد.<sup>۴۵</sup> چنانکه نوشته شده است: «انسان اوّل، یعنی آدم، موجود زنده گشت»؛ آدم آخر، روح حیات‌بخش شد.<sup>۴۶</sup> لیکن روحانی اوّل نبود بلکه طبیعی، و پس از آن روحانی.<sup>۴۷</sup> انسان اوّل از زمین است و خاکی؛ انسان دوّم از آسمان است.<sup>۴۸</sup> چنانکه انسان خاکی بود، خاکیان نیز چنان هستند؛ و چنانچه انسان آسمانی است، آسمانی‌ها نیز چنان هستند.<sup>۴۹</sup> و چنانکه صورت انسان خاکی را به خود گرفتیم، صورت انسان آسمانی را نیز به خود خواهیم گرفت.

### راز و پیروزی

<sup>۵۰</sup> ای برادران، این را به شما می‌گویم که جسم و خون نمی‌تواند وارث پادشاهی خدا شود و فسادپذیر، وارث فسادناپذیری نمی‌گردد.<sup>۵۱</sup> حال، رازی را با شما در میان می‌گذارم: ما همه نخواهیم خوابید، بلکه همه متبدّل خواهیم شد.<sup>۵۲</sup> در یک لحظه و در یک چشم به هم زدن، به نواختن

۴۵:۱۵ پیدایش ۷:۲

۵۱:۱۵ در اینجا منظور از خوابیدن، مرگ است.

۵۴:۱۵ اِشعیا ۸:۲۵

۵۵:۱۵ هوشع ۱۴:۱۳

که در آخائیه ایمان آوردند، و ایشان خود را وقف خدمت به مقدسین کرده‌اند - ۱۶ مطیع چنین کسان باشید و مطیع هر کس دیگر که در این خدمت همکاری می‌کند و زحمت می‌کشد. ۱۷ از آمدن اِسْتِفاَناس، فورتوناتوس و آخائیکوس شادمانم، زیرا غیبت شما را جبران کرده‌اند. ۱۸ چونکه آنان روح مرا و نیز روح شما را تازه ساختند. چنین کسان را قدر بدارید.

### سلامها

۱۹ کلیساهای آسیا برایتان سلام می‌فرستند. آکیلا و پریسکیلا به همراه کلیسایی که در خانه‌شان است، به شما در خداوند سلامهای گرم می‌فرستند. ۲۰ همه برادران برای شما سلام می‌فرستند. با بوسه مقدس یکدیگر را سلام گویند. ۲۱ من، پولس، به دست خود این سلام را به شما می‌نویسم. ۲۲ اگر کسی خداوند را دوست ندارد، ملعون باد. خداوند ما، بیا! ۲۳ فیض خداوند عیسی با شما باد. ۲۴ محبت من در مسیح عیسی همراه همه شما باشد. آمین.

بمانم، و یا حتی زمستان را با شما بگذرانم، تا بتوانید مرا در سفرم به هر کجا که بروم، یاری کنید. ۷ زیرا الان نمی‌خواهم در بین راه به دیدارتان بیایم، بلکه امید دارم، اگر خداوند اجازه دهد، مدتی را با شما به سر برم. ۸ اما تا پنتیکاست در اَفِسُس می‌مانم ۹ زیرا دری بزرگ برای خدمت مؤثر برابم باز شده، و مخالفان بسیارند. ۱۰ هرگاه تیموتائوس آمد، آگاه باشید که در میان شما راحت باشد، زیرا که او به کار خداوند مشغول است، چنانکه من نیز هستم. ۱۱ پس کسی او را حقیر نشمارد. او را به سلامتی روانه کنید تا نزد من بازگردد؛ زیرا که او را با برادران انتظار می‌کشم.

### دستورهای نهایی

۱۲ و اما در مورد برادر ما آپولس، او را بسیار اصرار کردم که با سایر برادران نزد شما بیاید، اما به هیچوجه راضی نشد که اکنون بیاید. لیکن هر وقت فرصت داشت، خواهد آمد. ۱۳ هوشیار باشید؛ در ایمان استوار بمانید؛ مردانه رفتار کنید و قوی باشید. ۱۴ همه کارهای شما با محبت باشد. ۱۵ حال ای برادران، از شما استدعا دارم - می‌دانید که خانواده اِسْتِفاَناس اولین کسانی بودند

۱۹:۱۶ در اصل یونانی: "پریسکا"، که شکل کوتاه شده "پریسکیلا" است.

۲۲:۱۶ در اصل یونانی: «مارانا، ته»، که عبارتی است آرامی و عیناً به یونانی برگردانده شده است. عبارت آرامی را می‌توان «ماران آته» نیز خواند که در این صورت معنی آن «خداوند ما آمده است» خواهد بود.